

عماد افروغ، استاد دانشگاه و جامعه‌شناس در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

استعفای رئیس‌جمهور سناریوی کسانی است که نمی‌خواهند مسئولیت بپذیرند



عکس: محمود رحیمی/فرهیختگان

در برخی موارد روحانیت، روشنفکر و دانشگاهی ما فراموش کرده است. علم را جور دیگری تعریف کرده‌ایم. دانشگاه‌ها را جسوری تعریف کرده‌ایم که حوزه هم تحت‌الشعاع آن قرار گرفت. اصلا انگار فراموش کرده‌ایم که علم باید دیالکتیکی با جامعه داشته باشد، باید رافع نیاز مردم باشد. وقتی شما علم را منتزع از جامعه تعریف می‌کنید و شاخص‌هایی برای رشد استادان مطرح می‌کنید و بعد آن رشد را با سرمایه‌ها و امتیازات مادی همراه می‌کنید نتیجه‌اش بهتر از این می‌شود؟ حوزه هم حوزه قدیم نیست و او هم عاشق استادبازی است، او هم عاشق دانشیاری است، او هم عاشق استادتمای است. نکته اینجاست که مساله چندوجهی و تا حدودی پیچیده و عمیق است. با این حال نباید بی‌قاعده و بدون توجه به اقتضات و مصالح کشور عمل کرد. نه اینکه وقتی گفته شد و آنها گوش ندادند و هرچه دیگران گفتند توجهی به آن نشد دچار افراط شویم و داشته‌ها و آورده‌های خود را فراموش کنیم. طوری نشود که به داشته‌ها و عینیات و ته‌نشین‌های تاریخی و فرهنگی ما حراج زده شود.

در همین وضعی که شرحش را از زبان شما شنیدیم یک جریان مشخصی در هفته‌های اخیر مساله استعفای رئیس‌جمهور را مطرح کرده و پروپاگاندا رسانه‌ای روی این مساله به راه انداخته است. استدلال هم این است که استعفای رئیس‌جمهور باعث ترمیم شکاف میان مردم و مسئولان می‌شود و اعتمادها باز می‌گردد. به نظر شما آیا استعفای رئیس‌جمهور در شرایط کنونی می‌تواند کارگشا باشد یا مشکلات را دوچندان می‌کند؟

من درباره سوال از رئیس‌جمهور هم چیزهایی شنیده‌ام. اول این را بگویم و بعد به سوال شما پاسخ می‌دهم. علی‌القاعده سوال از رئیس‌جمهور در شرایط عادی و معمول یک امر طبیعی است و بالاخره تعدادی از نمایندگان ممکن است به این نتیجه برسند که از رئیس‌جمهور سوال کنند و این ویژگی جوامع دموکراتیک است. قریباً هم این را دانشتیم از رئیس‌جمهور سوال شده و اساساً این موضوع یک نقطه قوت برای کشور و نظام است. منتها مساله این است که آیا همین است یا پشت این موضوع یک سناریوی خاصی دنبال می‌شود. زمانی پشت این شیطنتی است. انسان اقتدر نباید جاهل باشد که سناریو را نخواند و نفهمد که این یک فرار رو به جلو است که عده‌ای به راه انداخته‌اند تا مسئولیت نپذیرند.

در واقع عده‌ای می‌خواهند بهره سیاسی ببرند؟

بله، بحث از استعفا هم همین است. اینها همه سناریوی «کی بود، کی بود، ما نبودیم» است. حتی اگر نتوانستید تدبیر امور کنید یا بنا به دلایلی نخواستید، مرد باشید و مسئولیت آن را بپذیرید. اصلاً در شرایط کنونی استعفا چه معنایی دارد؟ در شرایط سخت فعلی از استعفا چه چیزی به دست می‌آید؟ به نظر من بحث از استعفای دولت یک موضوع انحرافی است. امکانات لازم که هست، اگر خطایی کردید اصلاح کنید و تغییر مسیر بدهید. ریل‌ها را به مسیر اصلی خود بازگردانید و قطار را در ریل راه بیندازید و از این ریل‌های انحرافی پرهیز کنید. به‌زعم من اقتدر امکانات فراهم است که هر لحظه دولت به عمل روی بی‌آوردید و فقط حرف نزنند، اعتماد مردم جلب می‌شود. مردم اعتماد خود را به راحتی خرج این انقلاب و نظام نکرده‌اند. یک عقبه تاریخی، فرهنگی، فلسفی و عرفانی پشت این انقلاب است و به راحتی به دست بر نمی‌دارند. نگاه نکنید سه چهار تحلیل و شورش و اغتشاش می‌شود و یک عده هم بهره‌بردار می‌زنند، ضمن این‌که با کسانی که به حق سوءاستفاده‌گران می‌زنند، ضمن این‌که با کسانی که به حق اعتراض داشتند هم همدردی می‌کنند. این دولت بود که فرصت اعتراض مدنی را فراهم نکرد و این حوادث رقم خورد. دولت باید آن وعده‌هایی را که داده عملی کند، چارادروغ می‌گوید؟ چرا آنان به مردم می‌گویند این گرانترین بر اجناس و اقلام دیگر تأثیری نخواهد گذاشت؟ اگر اشتباه کردید مسئولیتش را بپذیرید، دخرواهی و بعد کار کنید، آن وقت سرمایه‌های اجتماعی بازمی‌گردد. راه جاب اعتماد مردم و جلوگیری از ریزش سرمایه اجتماعی استعفا نیست. به اعتقاد من اگر بخواهند استعفا کنند هم فرار از مسئولیت است و هم فرار از این که مردم یقه آنها را بگیرند. باید گفت نباید از کشور انتقام بگیریم. با این وضع فردا قضاوت خوبی از ما نمی‌کنند. دولت باید به مسئولیت خود ادامه دهد و در دام هیچ سناریویی نیفتد. استعفای رئیس‌جمهور کشور را با آشفتنگی مواجه می‌کند و دردسرهای مضاعف می‌شود. با استعفای رئیس‌جمهور کشور متلاشی شده دچار هرج و مرج می‌شود. با استعفای رئیس‌جمهور دولت اسیر سناریوهایی می‌شود که ممکن است یک سر آن مربوط به ایران باشد، اما سر دیگرش در خارج از کشور است.

همان‌طور که در برخی کشورهای منطقه به محض استعفای دولت وضعیت جامعه بدتر شده است.

بله، باید خیلی مراقب بود. باید سعی کنیم اتحاد و وحدت خود را حفظ کنیم. بارها این را گفتیم و متأسفانه دولت قدر این وحدت بعد از خروج ترامپ از برجام را ندانست. این اشکالی ندارد و به هر حال سرنوشت کشور و انقلاب از همه چیز برای مردم مهم‌تر است. امیدوارم اصلاحی در امور اتفاق بیفتد و این اصلاح هم در عمل باشد، دولت هم اختیار و امکانات کافی دارد و فکر می‌کنم یکی دو سال هم فرصت کمی نیست.

هفته‌های اخیر از ریزش سرمایه‌های اجتماعی کشور گفتند که بی‌اعتنایی به آن در شرایط کنونی سم مهلک حکمرانی است. در این میان عده‌ای همچون عباس عبدی هم بر موج این تحلیل‌ها سوار شده‌اند و موضوع کناره‌گیری رئیس‌جمهور را مطرح کرده‌اند و آن را نسخه خروج کشور از بحران دانسته‌اند، در حالی که این نسخه در ماه‌های اخیر در کشورهای منطقه اثر عکس داشته و شرایط بحرانی آنها را تشدید کرده است. برای تشریح شرایط اجتماعی کشور در وضعیت فعلی سراغ عماد افروغ، جامعه‌شناس و استاد دانشگاه رفته‌ایم. با او در رابطه با رویکرد دولت در اداره کشور و اثرات آن بر طبقات اجتماعی و همچنین تأثیر استعفای دولت در بازسازی سرمایه اجتماعی گفت‌وگو کرده‌ایم که مشروح آن را در ادامه می‌خوانید.

شدند. برای اینکه این طرف آنها را قاسد می‌کنند، این طرف امر را بر آنها مشتبه می‌کنند، این طرف آنها را متوهم می‌کنند. تسمی قدرت و ثروت است و این قدرت و ثروت به قدرت و منزلت تسمی پیدا کرد. فرد احساس می‌کند، چون صاحب پول است پس صاحب سرمایه فرهنگی هم هست. این طرف باید هر چه زودتر مردمی شود. اینها مباحث مهمی است که کمتر به آن توجه می‌شود. مردم در زندگی روزمره خود تحت‌تأثیر عوامل مختلفی هستند. اصلاً مخالفتی با ارزش‌ها ندارند، بلکه هوادار و هواخواه‌اند. اما عده‌ای فکر می‌کنند اگر رفتارها متحول شد ارزش‌ها هم متحول می‌شود. الزاماً این‌طور نیست که آگاهی منتج به رفتار شود. آگاهی گام اول است، انگیزه، مهارت، فرصت و ظرف می‌خواهد. وقتی هیچ‌یک از اینها در اختیار مردم قرار نگیرد تحولی هم پیدا نمی‌شود. آن وقت زمانی که مردم آگاه شوند، چون این زمینه‌ها فراهم نیست طغیان می‌کنند. آگاهی اگر فقط آگاهی باشد که خیلی خوب است، اما عدم توجه به ساختارها منجر به ناآرامی می‌شود. آگاهی مردم در انقلاب اسلامی متبلور شد، اساساً مردم انقلاب کردند که دیگر حرف از آگاهی نباشد و قدم‌های بعدی محقق شود. مرحله بعد تغییر ساختار و عمل است؛ مثلاً در مورد آلاینده‌ها بعضاً ما هم به جلسات دعوت می‌شویم. می‌گوییم چرا فقط از آگاهی حرف می‌زنید؟ چرا فقط نگاه‌ها فردگراست؟ چرا فقط اشخاص را می‌بینید؟ اگر اکثر آلودگی‌های مربوط به محیط‌زیست نایلون‌های پلاستیکی است، آنها را تولید نکنید. یک چیز دیگر را جایگزین کنید و بعد ببینید چقدر اثر می‌کند. یک زمان نظام و حکومت برای ما نیست، امکان جایگزین نداریم و این درست است که فقط آگاهی بدهیم. اما حالا که آگاهی کار خود را انجام داده و اداره کشور دست ماست، الان امکان جایگزینی داریم، امکان خیلی از تحولات را داریم. با این حال کشور را روزمره اداره می‌کنیم و متأسفانه منافع و مصالح شخصی و جناحی خود را هم دخالت می‌دهیم و توجه به عدالت اجتماعی و فقر نداریم، بعضاً به همان چیزهایی که به خاطر آنها انقلاب کردیم توجه نداریم. وضع فعلی نتیجه بی‌توجهی به همان مبانی و ارزش‌هایی است که به خاطر آن انقلاب کردیم. این بی‌توجهی به مبانی، اصول و ارزش‌ها فقط مربوط به دولت نیست. بگذارید بی‌محابا بگویم

پس از حوادث آبان امسال که کشور را با مشکلات جدی مواجه کرد، به نظر می‌رسید که انفعال دولت در امر اداره کشور - که در واقع ذات این نهاد محسوب می‌شود - به اوج رسیده و احتمالاً تجدیدنظری درون دستگاه اجرایی صورت خواهد گرفت. اما ماجرای آلودگی‌های شدید و بوی معروف تهران و آب و فاضلاب گرفتگی بخش‌هایی از جنوب کشور نشان داد که کشتی‌بان هنوز در خواب است و هنوز او را سیاست دیگر نیامده. در این میان مهم‌ترین مساله آن است که این بی‌عملی و بدعملی اثر قابل توجهی بر جامعه گذاشته و احتمالاً شکاف میان مردم و مسئولان را عمیق‌تر می‌کند. چنانکه بسیاری از کارشناسان در



محمّد حسین نظری روزنامه‌نگار

من در حال حاضر دولت ما دچار نوعی رهاشدگی است، با این حال برای حل مساله باید بیشتر به مسائل اصلی و مبنايي توجه کرد.

مساله اصلا این نیست که دولت دست چه کسانی است، بحث بر سر این است که در حال حاضر عملکرد نامطلوب آن روی سرمایه اجتماعی کشور تأثیر منفی گذاشته است و حوادث نامطلوبی پشت سر هم رقم می‌خورد و مسئولان امر هم تلاش محسوسه‌ای برای بهبود اوضاع انجام نمی‌دهند یا دست کم مردم چنین احساسی ندارند. این پیام انفعال دولت که حس منفی به جامعه منتقل می‌کند چه آفتی را پیش‌روی کشور می‌گذارد؟ در این شرایط چه مکانیسمی می‌تواند شکاف اجتماعی را ترمیم کند؟

زمانی برخی هشدار می‌دادند و می‌گفتند که نظرسنجی‌های مختلف نشان از شکاف درآمدی دارد. حکایت از دغدغه اقتصادی بالای مردم دارد. حکایت از نارضایتی اقتصادی دارد. آمارهای خودشان جلوی چشم آنها بود ولی هیچ اقدام عملی‌ای نمی‌کردند. فکر می‌کردند همیشه اوضاع به همین شکل باقی می‌ماند. برخی، قوانین اجتماعی را نمی‌خوانند و نمی‌فهمند. اگر رهنمودهای امام(ره) را مرور می‌کردند و سعی نمی‌کردند نعم و مواهب جمهوری اسلامی را برای خود تعریف کنند، کار به اینجا نمی‌رسید. به نظر من یک راه‌حل داریم و آن رجعت به انقلاب اسلامی است. این هم رجعت تاریخی نیست، بلکه رجعت گفتمانی و رجعت به اندیشه‌های امام(ره) است. آن هم رجعت عملی، نه رجعت نظری که عده‌ای دوباره حرف امام را بزنند و با آن کاسبی کنند. در رجعت عملی امام(ره) عبارتی دارد که قریب به مضمون می‌گویم، می‌فرمایند این جهان‌خواران فقط به خاطر فرهنگ ایثار ما نیست که با ما مخالف هستند، بلکه به خاطر محرومیت‌زدایی و فقرستیزی است که با ما مخالفند. این صحبت‌ها برای دهه اول انقلاب است. سیاست ما باید به سمت عدالت اجتماعی برود، یعنی شکاف درآمدی خود را باید تعدیل کنیم، حداقل شکاف درآمدی دولتی خود را باید تعدیل کنیم. می‌گویند بخش خصوصی دست ما نیست. بخش دولتی چطور؟ اینکه دیگر

اصلا در شرایط کنونی استعفا چه معنایی دارد؟ در شرایط سخت فعلی از استعفا چه چیزی به دست می‌آید؟ به نظر من بحث از استعفای دولت یک موضوع انحرافی است. امکانات لازم که هست، اگر خطایی کردید اصلاح کنید و تغییر مسیر بدهید. ریل‌ها را به مسیر اصلی خود بازگردانید و قطار را در ریل راه بیندازید و از این ریل‌های انحرافی پرهیز کنید

برخی مسئولان میانی انقلاب را فراموش و آن را دست‌خوش تفسیرهای شخصی، گروهی و جناحی کرده‌اند. اساساً در حال حاضر بزرگ‌ترین مانع پیش‌روی کشور و نظام همین گروه‌های چپ و راست سیاسی در کشور هستند. همین بزرگ‌ترین معضل است، چون اینها فقط از زاویه و منظر تفکیکی خود به مسائل نگاه می‌کنند و هیچ توجهی به مصالح جمعی و خیر جامعه ندارند، به قواعد تالیفی هم توجه نمی‌کنند